

قیام حسین

زندگانی مردان بزرگ دارای نکات و وقایعی است که اگر شخص

نقاط حساس زندگانی آنان را مورد دقت قرار دهد بدون شک راه سعادت و پیشرفت

را خواهد یافت. از میان رجال نامی سرگذشت پیشوایان دین بهترین راهنما و نیکوترین دلیل برای هدایت جامعه می باشد که هر بیننده ای بخوبی میتواند از راه بررسی در حالات ایشان وظایف اجتماعی خویش را دریابد و بسامات پی برد چه اینانند که برهنمائی خلق برگزیده شده و باید کردار و گفتار آنان سرمشق دیگران قرار گیرد .

در این روزها که در هر مجلس و محفل سخن در باره یکی از شخصیت های بزرگ اسلام یعنی حسین بن علی «ع» بمیان است چقدر خوبست که مردان امروز و رجال علم و دانش بادیده تحقیق در حالات و روحیات درنگرند راستی اگر جهانیان امروز که دچار هزار گونه شدائد و لطامات شده اند بدون هیچ تعصبی در نهضت حسین «ع» طرز فکر او و خطبه ها و اسلوب تبلیغ و روش اصلاحی حضرتش دقت کنند بدون کمتر بن زحمتی بر حقایق امور پی برده و بر مشکلات زندگانی فائق خواهند آمد ، افسوس که امروزه مردم بحقائق تاریخی ابن پیشوای بزرگ توجه ننموده و سرگذشت حضرتش را سطحی مینگرند و برخی کوتاه فکران سخنانی دور از حقیقت و منطق ادا میکنند ولی همیشه حق چهره زیبای خود را نمایان نموده و بجلوه گیری مپیردازد و ناچار باید این خفاشان در گوشه ای خزیده و در زیر سایه ابرهای تیره تاریاکی و بدبختی روزگار اسیر بوند .

زمانیکه حسین «ع» قیام نمود، وقعی بود که بنی امیه باندازه‌ای در جامعه مسلمین تخم نفاق پراکنده و دستگاہ با عظمت اسلام را متزلزل ساخته بودند که نزدیک بود اسلام و مسلمانی بر باد رود و در نهج‌های پیغمبر و بارانش پایمال گردد. از یک طرف روح خداپرستی که سبب ترقیات مسلمین شده و وحدت بی نظیری در میان آنها بوجود آورده بود در آنها کشته و در نتیجه مسلمین را دچار ضعف عقیده و تشمت آراء ساخته بطوریکه تمام آن احساسات عالیه و قوای روحی که در اثر زحمات پیغمبر «ص» به وجود آمده بود یکباره از میان برداشته شد و با بخشش زروسیم حقایق در زیر حجابهای جهل و نادانی پنهان گردید و مردم را بانواع وسائل بیدینی و سهل انگاری نسبت بدستورات اسلام سوق میدادند و بمکس بازار کینه توزی و دروغ را رواج داده و بساط عشرت و باده کساری را که سبب انقراض اجتماع است علناً پهن نموده و از هرگونه خیانتی خود داری نکردند.

باین هم اکتفا نموده زاع‌های اثرادی و عصیتهای قومی را ترویج کرده و بدینوسیله جامعه مسلمین را از هم جدا ساختند و بی پروا بر یک یک از موضوعات اجتماعی و سیاسی حمله نموده و در مقابل هر حق و حقیقتی مبارزه کردند و کوشیدند تا آن اساس متینی که اسلام درست کرده بود با یک زبردستی عجیبی صورت دیگر دادند.

مسلمین در آنروز در اثر غفلتی که روی سادگی و یا غرض داشتند از اعمال و رفتار بنی امیه جلوگیری ننموده دسته‌ای مفرض‌عده ندان جمعی هم بی‌خبر از حقایق پاره‌هم‌جاء طلب و مفسده جودست بدست هم دادند تا کم کم آن سازمان محکم و منطقی را درهم ریخته

و اجتماع را متلاشی ساخته و در نتیجه جامعه ای بیمنطق و در همین حال نادان و پراکنده و دور از وظائف دینی و اجتماعی تشکیل دادند و خود ندانسته با دست خویش بنیان هستی خود را خراب میسازند و کاخ با عظمت اسلام را واژگون میکنند. حسین «ع» دید از بدو پیدایش اسلام چیزی نمیگذرد اگر روزگار بدینمواول بگذرد و اشخاصیکه امروز خود را مسلمان مینامند بدینطریق پیشرفت کنند صلحاء از ترس حقایق را نگویند و مهرخواهوشی بر دهن زنند و ناپاکان مقاصد شوم خود را بنام دین تحویل جامعه دهند و خود مصدر امور شوند بدون تردید بزودی جامعه مسلمین از هم پاشیده شده و نام اسلام برای همیشه از یاد جهانیان میرود و حقائق در دل خاک نهان میگردد و نسل آینده نمیتواند حقیقت را در یاد و ذهنای اسلام را بفهمد این بود که با عزمی خذل نا پذیر و روحی قوی مردانه کمر بست و بمسلمین آنروز و مردم جهان اعلام داشت که راه رسیدن بمقصد کامیابی در سایه دین و ایمان قوی پیدا خواهد شد و حقایق اسلام باید صورت عمل بخود گیر دهردمی نمیکبخت می باشند که عمل بدستورات و قوانین آن کنند .

برای این که این موضوع را اعمال نشان دهند و نقائص و عیوب جامعه را بطرز خوشی گوشزد کرده و در موارد مختلف حقائق را اظهار داشته است بطوری که اگر کسی قضا یا و سخنان حضرتش را از روز حرکت تا روز شهادت آن بزرگوار با دیده تحقیق ننکرد پی میبرد که چگونه بهدایت جامعه بشر پرداخته و چطور هر دسته ای را بنواقص و عیوبی که داشته اند آگاه فرموده است مثلاً از یک طرف با مردمی که دعوی

اسلامیت مینمود و خدا و قرآن و پیغمبر حتی علی را قبول داشته اند رو برو شده و با آنها از طریق دین صحبت کرده و با آنها نشان داده است که خدا را نشناخته اند و از دین اسلام اطلاعی ندارند و آنچه میگویند بخود بستگی و دروغ است. شما چنین میپندارید که اسلام با لفظ تمام میشود و میخواهید از مزا یای آن بهره مند گردید و قدمی در راه پیشرفت آن بردارید و دستوراتش را اطاعت نکنید چنین چیزی غیر ممکن است.

نگاه کنید با عبدالله جعفری چطور صحبت میدارد هر چه می کند که بخدمت حضرتش بیاید امتناع میورزد تا بالاخره خود حضرتش بنزد او رفته و از او درخواست کمک میکند در جواب میگوید من شنیدم در کوفه که شما میآئید از این جهت حرکت کردم که در آن موقع در آنجا نباشم و از این هیاهو دوری کنم هر چه حضرتش اصرار میورزد او حرف خود را تکرار مینماید و میگوید بگذارید گوشه‌ای بنشینم و بکار خویش بپردازم مرا با این کارها چه کار باز برای اینکه جامه را بیشتر بمفاسدشان آگاه کند و بفهماند که نه تنها شما دین ندارید بلکه احساسات عالیه در درون شما وجود ندارد و حقیقت از میان شمارخت بر بسته و مستی مردم خونخوار غارتگر وحشی شده اید نمونه های بسیاری از این زشتکارها را که نتایج همان صفات زبيله است نشان میدهد از قبیل فرستادن مسلم بن عقیل بکوفه و گرفتن بیعت و نقض عهد آن مردم و آن طرز رفتار تائر آور مردم خونخوار و آوردن خاندان رسالت و درخواست آب و آن سخنان آتشین در مواقع و موارد مختلف همه اینگونه وقایع روی همین منظور بوده است درست توجه کنید چقدر خوب نقاط ضعف را نشان میدهد و قتی با عمر سعد

رو برو شده و میخو اهد بگوید روح مادیکری سبب شد که شما را بجنک بامن یعنی با اسلام وا دارد آنطور سخن میگوید و آن مرد زشتخو باکمال وقاحت آن اشعار کفرآمیز را میسراید و باطن خود را ظاهر میسازد. بالاخره حسین ع در آخر کار هم که بمیدان میآید و آن خطبه‌های که در دل‌های از سنک سخت‌تر تاثیر میبخشد ادا میکنند و حقائق را آشکار میسازد و در خانه اش هم اشاره میکند که میند آرید من برای ملک گیری آمده‌ام را اکنون مغلوب شده و باید دست بدست بزید دهم و این رخت ذلت را در بر کنم هیات منالذوله چقدر دور است ذلت و خواری از مردانیکه برای خدا قیام میکنند.

نام حسین و کسانی که در راه حق قدم بر میدارند جاویدان خواهد ماند و پیوسته بیزرگی یاد خواهد شد و روش آنان با یستی سر مشق دیگران قرار گیرد و مردم مسلمان باید بوظیفه دین خود همواره عامل باشند و سعی کنند که اجتماع آنان دچار چنین مشکلاتی نگردد و اگر روزی هم دستهای ناپاکی بر ضد حق و حقیقت اقداماتی نمود و جامعه مسلمین را گرفتار چنین خواهی زشتی کرد بایستی اهل حق مردانه کمر بندند و از کمی عده نترسند و کوشش کنند تا مفسد یکایک را عملاً نشان دهند و مردم را بحقایق آگاه کنند.

شما خود تاریخ و سرگذشت حسین ع را بخوانید و وضع آنروز را در نظر گیرید ببینید در آن موقع بنی امیه برای منافع آنی خود چگونه جامعه را متلاشی کردند و چه نوع افکاری در دماغ مسلمین بوجود آوردند و پیشوای دین عملاً چطور مفسد و مصلح را نشان داد آنگاه با ارضاع امروز خود مقایسه کنید می بینید با شما چه نوع رفتار شده و با

چه تر دستی - جیبی روحیات شما را عوض کرده و جامعه شما را از هم متفرق و پراکنده ساخته اند هر يك را بطرزی از حقیقت دور ساخته و بناء وحدت شما را خراب کرده و هر کدام را بجان دیگری انداخته و روح مادیگری را بوضع خطرناکی در فرد فرد شماها تزریق کرده اند بخود آید و بر خود و جامعه خود رحمی کنید و مکنذارید بیش از این گرفتار پراکنندگی و پریشانی گردید و در دنیای امروز نام شما بزرگی یاد نشود

چه تصور میکنید و از این اختلافات و نداشتن روح ایمان و متکی نبودن بخدا چه چیزی عاید شما گشته هر چه بود گذشت امروز فکری کنید و مردانه قیام نمائید و حقائق را با طرز دلنشینی گوشزد جامعه نموده و با نیروی خستگی ناپذیری با صلاحات دست بزنید و از دستورات مقدس اسلام که تنها وسیله سعادت مندی شماست پیروی نمائید و بدانید فرزندان آینده و جهانیان در باره شما نیکو قضاوت نمایند و نام شما را بزرگی یاد کنند و در عالم برای شما شخصیت و هویت بی نظیری بوجود خواهد آمد و خداوند شما را یاری خواهد کرد و هیچ نیروئی نمیتواند شما را مضمحل سازد خداوند ما را توفیق دهد که از پیشوایان با ایمان خود پیروی نموده و دستورات اسلام را عمل کرده تا نیر و مند و متحد گردیم .

حسن سعید - تهران

سخن حکیم

ارسطو در باره موضوعی بکسی نامه ای نوشت و مقصودش بر آورده نشد دوباره بوی نوشت : « اگر خواستی و توانستی معذوری و اگر توانستی و نخواستی بزودی روزی فرا رسد که بخواهی و نتوانی » .